حمید انوری لاس انجلس، اول فروری ۲۰۰۷

شورای (قانونی) و مولود غیر قانونی آن

شورای به اصطلاح ملی افغانستان که توسط آقای (قانونی) اداره میشود و متشکل از جنایتکاران جنگی، قاچاقچیان مواد مخدر، جنگ سالاران و زیردار گریختگی های چپ و راست است (البته به استثنای تعدادی معدودی نمایندگان برحق و برگزیدۀ ملت) به تازگی ها از خواب زمستانی بیدار گردیده و کشان کشان خود را به ساختمان پارلمان کشور رسانیدند. قبل از همه وکیل صاحبان درغم چای سیاه و سبز و نقل و بادام شدند و یک لست طویل از اشیای مورد ضرورت شانرا تا صابون و کریم دندان ترتیب نموده و به مقامات مربوط سپردند که چشم بسته به تصویب رسید. هر وکیل دارای چهار بادیگارد و محافظ مسلح است و عنقریب موترهای ضد گلوله نیز برای شان داده خواهد شد. معاش هر وکیل بین دو تا سه هزار دالر است البته پول دسترخوان و خرچ مهمان و تیل موتر و مصارف سفر خرچ های داخل و خارج و هزار و یک مصرف دیگر به وکیل صاحبان جداگانه از بودجه دولت و از بیت المال پرداخت میشود. اگر معاشات رانندگان و بادیگاردان را هم با این مصارف جمع نمائیم، مصارف هر وکیل ماهانه حدود ده هزار دالر امریکایی و یا بیشتر از آن خواهد شد. خوب به هر حال (خرچ اگر از کیسۀ مهمان بود، حاتم طائی شدن آسان بود) و این لک بخشی ها از پول های تکدی شده با هزاران گردن پتی بنام بازسازی بدست آمده و جهت بازسازی قصرهای جنگ سالاران و جنایتکاران جنگی و ناقضین حقوق بشر به مصرف میرسد.

این جنابان که بیشتر از سی سال به کشتار خلق خدا در کشور ما مصروف بودند، امروز داد از دیموکراسی و حق و عدالت زده و در مقامات بلند حکومت فعلی و در پارلمان (آقای قانونی) لم داده و اکثرا یا در خواب اند یا در فکر بدست آوردن امتیازات بیشتر و یا هم در فکر توطئه و یا هم سر تقسیم به همدیگر مشت و دندان نشان داده و یا با بوت و چپلی و چپلک به دو سه نفر وکیل مردمی که از منافع مردم خود دفاع میکنند، حمله ور شده و الفاظ رکیک و کوچه و بازاری نثار شان مینمایند. (البته از این ایله جار های نو به دولت و قدرت رسیده توقع بیشتر از این هم نباید داشت) .

اخیرا کار بجایی کشیده است که آقای محقق و رفقای هم طبقش دست به طرح خائنانۀ به اصطلاح (مصالحه ملی) زده و این طرح شوم را به پارلمان کشور ارائه نموده اند . بر مبنای این طرح مزورانه (**گروه های درگیر در جنگ های داخلی افغانستان از پیگرد قانونی معاف شده اند)** نظر به گزارش (بی- بی- سی) این طرح با آنکه با مخالفت هائی در داخل ولسی جرگه نیز روبرو بود، سر انجام پس از بحث های داغ به تصویب رسید. محمد محقق، سخنگوی کمیسیون ارائه کنندۀ این طرح گفت که بر اساس طرح مصالحۀ ملی (**باید برای تمامی جناح های سیاسی افغانستان، ضمانت روانی وجود داشته باشد.)**

این طرح خائنانه در یازده ماده مورد تصویب پارلمان غیر قانونی آقای قانونی و رفقای اخوانی و کمونیستش قرار گرفت و آن عده وکلای مردمی که در پارلمان وجود دارند با اعتراض به این تصویب جلسه را ترک گفتند.

آقای قانونی صد البته که از قانون الهی در مورد (حق الله و حق العبد) بوی نبرده است. خداوند می فرماید که من حق خود را بخشیده میتوانم ولی حق بنده خود را هرگز بخشیده نمی توانم. ولی و اما قانونی و رفقایش خود را حتی بالاتر از خداوند قرار داده و حق بندگان خدا را از کیسه خلیفه بخشیده اند. از جانب دیگر اگر محقق ها، ربانی ها، سیاف

ها، خلیلی ها، قانونی ها و غیر قانونی ها و نیز دوستم ها، علومی ها، گلاب زوی ها و دیگر جنایتکاران امثال شان خود را جنایتکاران جنگی نمی دانند، پس چرا دست به چنین توطئه های خائنانه میزنند و چرا از بازخواست ترس دارند؟ از قدیم گفته اند :(دزد نباشی از پاچا نترس)، ولی چون این جنابان خوب میدانند که دستان شان تا مرفق بخون هموطنان شان آغشته است و در و دیوار افغانستان و بخصوص کابل ویرانه از جنایات ننگین شان حکایت ها دارد، از اینرو چون خفاشان شب پرست از روشنائی و نور آفتاب بشدت در هراس اند و چون کور موش ها غار می پالند .

از جانب دیگر مردم افغانستان در هر حال از این حکومت موجوده نا امید شده اند و انتظار کار خیری از آن ندارند و نیز خوب میدانند که این حکومت مصلحتی صرف به مصلحت جنگ سالاران و جنایتکاران جنگی عمل کرده و میکند و هرگز لحظه اي در فکر مردم و تامین عدالت نبوده و چنین انتظاری از چنان حکومتی کاریست بیهوده . این حکومت هرگز قادر به اجرای عدالت نیست. نه قدرت آنرا دارد و نه شهامت آنرا و این خود مردم اند که باید حق خود را خود بدست آورند و جنایتکاران را به جزای اعمال شان برسانند .

در کف آزادگی شمشیر میباید گرفت حق خود را از دهان شیر میباید گرفت

و دیده میشود که مردم افغانستان هم اکنون به همین نتیجه رسیده اند و خود در صدد اجرای عدالت اند و این عدالت مرعی الاجرا خواهد بود حتی با موجودیت چهار بادیگارد و محافظ و موتر های ضد گلوله و یک درجن ایله جاران مسلح آنان. وکیلی که واقعاً از طرف مردم انتخاب شده باشد و نمایندۀ انتخابی و برحق مردم خود باشد، هرگز به محافظ و بادیگارد ضرورت ندارد، صرف آن عده از وکیلان که به زور و زر و تزویر خود را وکیل ساخته اند، از امنیت خویش در هراس اند و با تاسف که بیشتر از نود فیصد وکلای ولسی جرگه یا پارلمان کشور را چنین افراد تشکیل داده اند .

در اخیر باید گفت : ((ملخک یک بار جستی، دوبار جستی، آخر بدستی))